

تاریخ دریافت: ۹۶/۵/۹

تاریخ پذیرش: ۹۶/۷/۹

فصل نامه علمی - پژوهشی عصرآدینه

سال دهم، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۹۶

تأثیر رسانه های غربی در برداشت انحرافی از اندیشه مهدویت با تأکید بر سوژه های فیلم های هالیوود

خدیجه کریمی^۱
زینب کبیری^۲
قربان فیاض^۳

چکیده

دردنیای مدرن امروز رسانه ها ابزاری قدرتمند برای رسیدن به اهداف جهانی محسوب می شود. رسانه ی تصویری که پیام را بهتر و با کیفیت تر می تواند انتقال بدهد بیشتر مورد توجه بوده و مورد استفاده قرار می گیرد. از آن جایی که کشورهای غربی تسلط رسانه ای بهتری را در دست دارند؛ سال هاست در سوژه های فیلم هالیوود که مخاطبین جهانی دارد، به موضوعاتی همچون آخرالزمان گرایی، پایان دنیا، جنگ ملت ها و مهدویت ستیزی پرداخته اند که هدف از این عملکرد رسانه ای جز سلطه گری و نشان دادن ابر قدرت بودن خود به جهانیان چیز دیگری نمی تواند باشد. در این مقاله ابتدا اصلاً اندیشه ی ناب مهدوی شیعی معرفی شده است سپس ابعاد و موضوعات مختلف مباحث مهدویت و آخرالزمان گرایی که هالیوود به آن پرداخته است بررسی گردیده است. در مقابل آن به عملکرد رسانه ای اسلامی در باب معرفی اندیشه ی ناب

۱. کارشناس رشته مطالعات زنان مدرسه شهیده بنت الهدی قم (نویسنده مسئول) (khadijakarimi313@yahoo.com).

۲. استادیار جامعه المصطفی قم.

۳. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی جامعه المصطفی قم.

مهدویت نیز اشاره شده است و در پایان راه کارها و پیشنهادات عملی برای رسانه های اسلامی درگسترش و معرفی مبانی فکری مهدوی شیعی و جلوگیری از برداشت های انحرافی از آن، ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی

رسانه های غربی، برداشت انحرافی، مهدویت، هالیوود.

مقدمه

امروزه جوامع با پیشرفت چشمگیر تکنالوژی با بمباران اطلاعاتی مواجه هستند. رسانه در قالب های مختلف مانند؛ تلویزیون، رادیو، اینترنت و مطبوعات هرکدام به شیوه ی خاص خود اطلاعات را در ذهن مخاطب جای می دهد.

اینترنت به رغم داشتن ظاهربین المللی، از نظر ملی، ریشه های متمایزی دارد و از ابتدا، برای مقاصدی غیر از ارتباطات جهانی ایجاد شده و توسعه یافته است. این شبکه در اوایل دهه ی ۱۹۶۰ و در اوج جنگ سرد، توسط «آژانس طرح های تحقیقاتی پیشرفته»^۱ در وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا طراحی شد. پژوهشگران وزارت دفاع آمریکا که آرپانت را توسعه بخشیدند، در صدد طراحی پیش الگویی برای دفاع ملی بودند که در آن از نابودی سیستم ارتباطات مبتنی بر اطلاعات، در مقابل تخریب تهاجم هسته ای پیش گیری شود. (کانگل، ۱۳۸۵: ۱۷۰-۱۷۱)

طوری که آمریکا به اینترنت و ارتباط جهانی تسلط تام داشت؛ به مرور زمان توانست تمام رسانه های داخلی خود را جهانی کند. محتوای رسانه های تصویری، صوتی و کتبی خود را در راستای اهداف سلطه گری خود در جهان طراحی کرده و جنگ نرم رسانه ای را در جهان به راه انداخت که امروز؛ جهان را درگیر جنگ روانی اطلاعاتی قرار داده است.

آمریکا به رغم داشتن احساس ابر قدرت بودن در جهان؛ دوست دارد پایان جهان را طوری که خود می خواهد رقم بزند. این اندیشه ی غربی در مقابل اندیشه مهدویت مسلمانان برخاسته است که به باور مسلمانان پایان جهان با حکومت ایده آل حضرت مهدی موعود علیه السلام رقم خواهد خورد.

در پژوهش حاضر؛ ابتدا به معرفی اجمالی اندیشه ی مهدویت در اسلام پرداخته و

1. Arpanet

سپس به تاثیر، کارکردها و اهداف رسانه‌یی غرب بر ضد باور مهدویت اشاراتی خواهیم داشت که با عنوان‌های مختلف مانند پایان جهان، آخرالزمان گرایی، جنگ جهانی سوم و نابودی جهان مطرح می‌کنند.

اهمیت و تحقیق این مقاله وقتی احساس می‌شود که محقق در کنار کارکردهای غرب در باب مهدویت؛ کارکردهای رسانه‌ای مسلمانان را نیز آورده و تطبیق دهد. از سویی، پر رنگ کردن اهداف غربی‌ها و برجسته کردن کم‌کاری‌های مسلمانان در این فضا و مطرح کردن پیشنهادات و راهکارها برای پیشبرد آن، جزء اقتضائات عصر حاضر و تکلیف محسوب می‌شود.

مفهوم شناسی

۱. رسانه

رسانه در لغت به هر وسیله که مطلب یا خبری را به اطلاع مردم برساند گفته می‌شود مانند رادیو، تلویزیون (عمید، ۱۳۹۰: ۵۲۵) آخرین دستاوردهای بشری در حوزه رسانه و فناوری اطلاعات و ارتباطات نشان‌گران است که رسانه‌ها به طور عام به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱. رسانه‌های ادراک حسی (صدا، حالات چهره، اشارات دست و...)؛ ۲. رسانه‌های نشانه شناختی (تصویر، زبان، خط، موسیقی)؛ ۳. رسانه‌های فنی انتقالی (رسانه‌های مکتوب، رادیو، تلویزیون، اینترنت) (حسینی، ۱۳۸۸: ۳۱). این تقسیم‌بندی رسانه به طور کامل و جامع همه‌ی رسانه‌های قدیم و جدید را دربر می‌گیرد و مفهوم کاملی را در ذهن خواننده ایجاد می‌کند.

۲. مهدویت

مهدویت مصدر جعلی مهدی، به معنای مهدی (امام منتظر) بودن است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۹۳۳۱). در اصطلاح، اعتقاد به ظهور مهدی علیه السلام را گویند که از جمله معتقدات اصولی مذهب شیعه اثنی عشری است و همان پدید آمدن حکومت عدل جهانی است (تونه‌ای، ۱۳۸۷، ۷۱۱).

برداشت انحرافی از اندیشه‌ی ناب مهدویت

امروز در رسانه‌های غرب شاهد وارونه شدن حقایق اندیشه‌ی ناب مهدویت هستیم

طوری که حقایق و تخیلات را با هم آمیخته و تبدیل به یک آرمان خودی کرده است. در فرایند تصویرسازی آموزه مهدویت مخالفین تفسیر شیعی از این آموزه، روشنفکران غرب زده و برخی از شرق شناسان کینه توز عواملی بودند که در اثر تلاش های آنها بخش عمده ای از ادبیات آموزه مهدویت با تصویرسازی منفی مواجه شد. وارونه جلوه دادن اندیشه ناب مهدوی از سوی بیگانگان با ایجاد تشکیک در آرمان های این آموزه و وارد کردن شبهات دینی در اذهان نسل جوان؛ خطر تحریف آموزه مهدویت و تغییر مفاهیم و باورهای مهدوی را در پی دارد که ممکن است به جابه جایی ارزش ها و ضد ارزش ها و آرمان زدایی از جامعه مهدوی و کم رنگ شدن ارزش های مهدوی منجر شود.

رجوع نکردن به منابع دست اول در زمینه مهدویت و همچنین کلی نگری به جای جزئی نگری در زمینه شناخت اندیشه مهدویت و برگزیدن شیوه تاریخی نگری در تحلیل این اندیشه را باید از جمله مهم ترین آسیب های شرق شناسان و دین پژوهان غربی دانست. (موسوی، ۱۳۹۱: ۱۲۳) برای نمونه دیدگاه خاورشناس غربی را می توانیم ذکر کنیم که نویسنده در کتاب خود *شرق شناسی و مهدویت* آورده است:

گلدتسیهر، طرح مسئله مهدویت را عامل توجیه آشوب ها و شورش هایی می داند که پاره ای از شورش گران سیاسی به راه انداخته و مهدویت را الگو و عنوان قیام خود قرار داده اند. او معتقد است مسئله مهدویت چون آرمان بزرگ و مدینه فاضله کسانی بوده که به آن اعتقاد می ورزیدند، از اینرو مهدویت و حکومت مهدوی را بزرگ ترین جامعه آرمانی می داند که از نظر او آمیخته با داستان های خرافی و عجیب و غریب همراه است. (همو: ۱۳۶)

دنیای غرب و امپریالیسم زور و زور و تزویر به رهبری آمریکا و اسرائیل تمام امکانات مادی، معنوی، رسانه ای، هنری و... خود را وارد میدان ساخته تا به قیمت کشته شدن همه انسان ها، اهداف خود را مبنی بر ترویج آموزه های غلط و تحریف شده تورات و انجیل درباره رجعت مسیح و ضرورت زمینه سازی آن و سیطره سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، هنری و... بر همه دنیا را محقق سازند (عظیمی خرم آبادی، ۱۳۹۴: ۲۰). برای نمونه کتاب *مهدی؛ مسیحی به سرقت رفته*^۱ نگاشته رون کانتزل؛ را می توان نام برد که روی جلد کتاب

1. The Mahdi: Hijacked Messiah/Ron Cantrell/ Ron Cantrell Publishing/ 2004.

تصویر بن لادن است و وارد بازارنش می‌شود. در این کتاب طالبان و بن لادن به عنوان نمونه‌های عینی باور به اندیشه مهدویت در اسلام مطرح می‌شوند. در این کتاب اندیشه مهدویت خاستگاهی برای انواع شورش‌ها، قیام‌ها، درگیری و خشونت در گستره تاریخ اسلامی به ویژه در شمال آفریقا معرفی شده است (دهقانی آرانی، بی تا: ۲۵). در صورتی که طالبان و بن لادن در دنیای امروز به نام تروریست شناخته شده‌اند که مبانی فکری طالبان با مبانی فکری مهدویت شیعی زمین تا آسمان تفاوت دارد. اما این فعالیت‌های دشمنان اسلام به ویژه دشمن مذهب جعفری است که تبلیغات سوء را در این مورد انجام می‌دهند و اندیشه مهدویت را در قالب‌های تروریستی به خورد مخاطبین می‌دهند.

مهدویت در دین مقدس اسلام

مهدویت؛ موعودباوری و اعتقاد داشتن به یک نجات‌بخش است که در آخرالزمان برای نجات ورهایی بشر و برای برقراری صلح و عدالت خواهد آمد. در ادیان آسمانی به طور مشترک همه معتقد به این منجی هستند اما هر آیین با شرایط و مشخصات خاص خود باورهای متفاوتی از این اندیشه دارند. شیعه معتقد است حضرت مهدی علیه السلام دوازدهمین نواده‌ی امام علی علیه السلام و از نسل حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد که شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مشخصات آن حضرت را در احادیث ذکر کردند و فرمودند:

حضرت مهدی علیه السلام آخرین حجت الهی است و محور حقیقت است و منبع نور و هدایت الهی است که نور، تنها نزد اوست (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۷، ۲۰۴).

مسئله مهدویت به صراحت در قرآن نیامده اما در کتاب معجم احادیث امام مهدی، محققین برخی آیات قرآن کریم را مرتبط به موضوع مهدویت دانسته‌اند (جمعی از محققین، ج ۵). که از جمله آیاتی که بشارت به حکومت صالحان و مومنان بر روی زمین می‌دهد آیه ۱۰۵ سوره انبیاء، و آیه ۵ سوره قصص می‌باشد. و در مورد حکومت امام مهدی علیه السلام در قرآن کریم آمده است:

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن

کافر شوند ، آنها فاسقانند (نور: ۵۵).

دوره غیبت صغری امام مهدی علیه السلام از سال ۲۶۰ ق (۸۷۴ م) آغاز و در ۳۲۹ ق (۱۹۴۰ م) پایان یافته است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۰۴) و دوره غیبت کبری از سال ۳۲۹ شروع و تا به پایان جهان ادامه خواهد داشت که این عصر را به نام آخرالزمان نیز یاد می‌کنند. طوری که قرآن کریم در آیه ۴۶ سوره ابراهیم به توطئه‌هایی اشاره می‌کند که به هدف تضعیف اعتقادات مردم انجام می‌شود. امام صادق علیه السلام در حدیثی این آیه را به تلاش دشمنان در عصر غیبت برای زائل کردن اعتقاد مردم به مسئله مهدویت تفسیر کرده است (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۳۵). روایات زیادی از ائمه نیز در این مورد آمده است که شیعیان را سفارش می‌کند که در آخرالزمان منظور از غیبت کبری امام مهدی علیه السلام، فتنه‌ها زیاد شده و مومن باید خود را از گزند انحرافات فکری و اندیشه‌ای حفظ کند.

روایات شیعه در موضوع مهدویت بسیار زیاد و گسترده است که در این مقاله گنجایش آوردن همه‌ی متن احادیث نیست بنابراین فقط اشاره‌ای به آن می‌کنیم. موضوعاتی که این روایات مورد بررسی قرار داده‌اند، شخصیت امام مهدی علیه السلام (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۸۰) شخصیت منتظران وی، (طبرسی، ۱۳۸۵: ج ۶۳) ارزش و فضیلت انتظار فرج (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۴۶)، نشانه‌های ظهور (طبرسی، ۱۳۷۶: ۴۵۶) و همچنین حوادث هنگام ظهور (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۱۹) و جهان پس از ظهور (حسینی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ج ۳، ۳۳۵) است.

با استفاده از احادیث ائمه، شیعه معتقد است انتظار فرج یکی از مهم‌ترین اعمال در عصر غیبت است و اهمیت آن مثل شمشیر زدن پیشاپیش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ مَاتَ مُنْتَظِرًا كَانَ بِمَنْزِلَةِ الضَّارِبِ السَّيْفِ بَيْنَ يَدَي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۴۶) و در زمان غیبت به ویژه غیبت کبری که طولانی می‌باشد شیعیان از ظهور منجی بشریت ناامید نباشند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «انْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ»؛ «همواره در انتظار (فرج و ظهور صاحب‌الزمان علیه السلام) باشید و یأس و ناامیدی از رحمت خدا به خود راه مدهید» (همو: ج ۱۵، ۱۲۳).

روایت و احادیثی زیادی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام رسیده که کسانی را که برای ظهور وقت تعیین می‌کنند، دروغگو شمرده و بر دروغگویی آن‌ها تأکید می‌کند و این مسئله را که یکی از معصومین علیهم السلام از زمان ظهور خبر داده باشد، نفی می‌کند. بنابراین هیچ یک از

معصومین علیهم‌السلام اطلاعی در این مورد نداده‌اند زیرا امر ظهور امام مهدی علیه‌السلام جزئی از اسرار الهی محسوب می‌شود و حتی هر کس را که چنین ادعایی داشته است تکذیب کرده‌اند. فضیل از امام باقر علیه‌السلام پرسید، آیا این امر، زمان خاصی دارد؟ امام (سه مرتبه) فرمود: «تعیین‌کنندگان زمان ظهور دروغگو هستند» (نعمانی، ۱۳۷۶: ۱۹۸).

کارکردهای رسانه‌ی غرب نسبت به مسئله مهدویت

رسانه در دنیای امروز ابزار قدرت و حکومت است و این ابزار در نظر امپریالیسم جهانی آمریکا و صهیونیسم وسیله غارت و چپاول منابع و سرمایه‌های جهانی و تنها مسیر شکل‌دهی و هدایت افکار و اندیشه‌هاست. امروز در جهان هیچ قدرتی بالاتر از قدرتی نیست که در آمریکا در دست فریب‌دهندگان افکار عمومی قرار دارد؛ زیرا ابتدا تصویری از جهان را برای ما شکل می‌دهند، سپس به ما می‌گویند که درباره این تصور چگونه فکر کنیم (رجبی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۸).

دولت‌های آمریکا و بریتانیا به این نتیجه رسیدند که تبلیغات و کنترل رسانه‌ها، مهم‌ترین عامل پیروزی در جنگ‌هاست. در شکست کانال سوئز، جنرال سرچارلز کیتلی در گزارش داخلی به دولت در سال ۱۹۵۷ اعلام کرد که مهم‌ترین درس آن بود که اکنون افکار عمومی جهانی، اساسی‌ترین اصل یک جنگ را به خود اختصاص داده است. به نظر بسیاری از صاحب‌نظران، نقش رسانه‌ها در جنگ ویتنام، مهم‌ترین عامل شکست آمریکا و پیروزی ویتنام بود. رسانه‌های آمریکا زمانی به ابراز نارضایتی از این جنگ پرداختند که نخبگان هیئت حاکمه این کشور در این مسئله با اختلاف نظرهای جدی روبه‌رو شدند. از این، طراحان جنگ‌های بعدی آمریکا بر آن شدند تا خود را از آسیب‌های اخبار سانسور نشده ایمن نگاه دارند. به همین دلیل، دولت مردان آمریکایی در آغاز دوره ریاست جمهوری ریگان بر آن شدند تا به رسانه‌ها و مطبوعات این کشور اجازه ندهند افکار عمومی این کشور را خواه عامدانه یا غیر عامدانه، متوجه اهداف جنگ طلبانه دولت کنند. (همو: ۴۷) این جاست که آمریکا اهداف بلند مدت در راستای سیاست و حکومت خود را در رسانه‌ها پایه‌ریزی کرد. با ساختن فیلم‌هایی در حوزه آخرالزمان‌گرایی و تأثیرگذاری آن؛ به این هدف خیالی دست گذاشتند که پایان جهان را طبق اهداف خود رقم بزنند. البته این افکار و ایده بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به اوج خود رسید.

در فیلم «محاصره» سیاست‌های آمریکا درباره‌ی خاورمیانه و به طور کلی سیاست خارجی ایالات متحده و نیز دغدغه‌های فرهنگی آمریکا را در ارتباط با روابط خود با خاورمیانه ترسیم شده است. «محاصره» در سال ۱۹۹۸ به روی پرده‌ی سینما رفت، تقریباً یک دهه‌ی پس از ریاست جمهوری ریگان و پس از حادثه‌ی بمب‌گذاری شهر اکلاهما. در این زمینه‌ی تاریخی، فیلم از شرایطی برخوردار شد که می‌توانست به دغدغه‌های فرهنگی و سیاسی دوره‌ی پس از ریگان و جریان‌های سیاسی دوره‌ی کلینتون تلنگر بزند. در این فیلم به طور ناخودآگاه و نادانسته آن بحث‌های سیاسی‌ای را برجسته می‌سازد که ما اینک در ایالات متحده در ارتباط با خاورمیانه درگیر آنیم (سمتی، ۱۳۸۵: ۲۱۹-۲۲۰).

اگر نگاهی کوتاه به نقش رسانه‌ها در جنگ افروزی و زمینه‌سازی قتل و کشتار مردم بی‌گناه بیفکنیم روشن خواهد شد که رسانه‌ها؛ عوامل و زمینه‌ساز تهاجم‌های خارجی کشورهای جاه‌طلبی مانند آمریکا هستند که پیوسته به عنوان بازوی اصلی در راستای اقناع مردم در داخل کشور و تشویق سربازان به جنگ و آدم‌کشی و توجیه افکار عمومی در خارج از کشور و همراه کردن جامعه بین‌المللی برای حمله و تجاوز به کشور هدف مانند ویتنام، عراق، افغانستان و... عمل می‌کنند (عظیمی خرم‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۶). یکی از فرماندهان آمریکایی حاضر در جنگ آمریکا علیه ویتنام می‌گوید:

با توجه به این‌که ما در دنیای مجازی و واقعی همچنان با خشونت دست و پنجه نرم می‌کنیم و در لوح‌های فشرده و شبکه‌های پخش فیلم سینمایی، به راحتی صحنه‌های کشتار و قتل عام به نمایش درمی‌آید، آیا اصولاً ما تمایل به پایان دادن خشونت و جنگ داریم؟ (رجبی نیا، ۱۳۸۹: ۶۹).

موضوع رسانه مخصوصاً رسانه‌ی تصویری؛ فیلم و هالیوود با توجه به گسترش و پذیرش مخاطبین آن، در دنیای امروز حساسیت و اهمیت حیاتی در حوزه مهدویت و... ایجاد کرده است که برای روشن شدن جنبه‌های مختلف تأثیرگذاری هالیوود در حوزه تفکر مهدوی، نخست به موضوعاتی که در فیلم‌ها کار شده است می‌پردازیم.

الف) انتخاب موضوعات فیلم‌های سینمایی با موضوع پایان جهان

فیلم‌سازی در دنیای غرب، ابزار قدرتمندی برای جا انداختن فرهنگ دلخواه و ایدئولوژی غربی محسوب می‌شود که از جمله آرمان‌ها، تصویرسازی پایان جهان می‌باشد.

در این نوع فیلم‌سازی‌ها، با استفاده از ژانر یا گونه‌ی علمی-تخیلی، همواره تصویر از آینده به شکلی داستانی و گفیرا ترسیم گردیده است و در آن سعی شده تا با استفاده از عناصر تخیل، هیجان و شگفتی به تماشاگر و بیننده بقبولانند که آینده‌ی جهان همان گونه خواهد بود که آنها نقش کرده‌اند. این تصویرسازی ریشه در ادبیات دارد و ناشی از انتشار کتب علمی-افسانه‌ای نویسندگانی چون «ژول ورن» «ری برادبری» «هربرت جرج ولز» «آرتور سی کلارک» و تعدادی دیگر از نویسندگان رمان‌های علمی-تخیلی غربی است (علوی طباطبائی، ۱۳۸۸: ۹).

یکی از کارکردهای تبلیغاتی در قالب فیلم که با موضوع اعتقاد به ظهور حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه و پایان جهان کار شده است؛ فیلم «نوسترا داموس» می‌باشد که بعد از اکران آن به مدت سه ماه متوالی در شبکه‌های آمریکا به نمایش گذاشته شد. این فیلم سرگذشت زندگی ستاره‌شناس و پزشک فرانسوی به نام «میشیل نوسترا داموس Nostra damus» است که نزدیک به ۵۰۰ سال قبل می‌زیست. وی پیشگویی‌های خود را درباره‌ی آینده به رشته‌ی تحریر در آورده، که مهم‌ترین آنها پیشگویی او درباره‌ی ظهور نواده‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه مکرمه، و وحدت بخشیدن به مسلمانان و به زیر پرچم خود آوردن آنها و پیروزی بر اروپائیان و ویران کردن شهر و یا شهرهای بزرگ سرزمین جدید (آمریکا) است.

به نظر می‌رسد «لویی» صهیونیست و اطلاعات آمریکا در ساختن این فیلم دست داشته باشند، و هدف آنان از تهیه این فیلم بسیج نمودن ملت‌های آمریکا و اروپا علیه ایران و مسلمانان است، زیرا آن را خطری می‌پندارند که غرب و تمدن آن را تهدید می‌کند؛ به ویژه وقتی که آن‌چه را بر پیشگوئی «نوسترا داموس» اضافه نموده‌اند مورد توجه قرار دهیم و آن این‌که آمریکا بعد از شکست اروپا به دست حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه و نابودی موشک‌های غول پیکر و شکنگتن و دیگر شهرهای آن، جهت رویارویی با آن حضرت به بستن یک پیمان همکاری با روسیه اقدام نموده و سرانجام بروی پیروزی می‌گردند! (کورانی، ۱۳۸۳: ۱۸)

حتی در فیلم «ارباب حلقه‌ها» جنگ خیر و شر مطرح می‌شود و نحوه‌ی جنگ خیر و شر، سلاح‌ها و انسان‌ها غیر متعارف‌اند. تصاویر این فیلم‌ها به نوعی به مفاهیم انتظار و فرجام و آخر الزمان در متون اسطوره‌ای و متون مذهبی مشابهت دارد و مفاهیم پیچیده‌ی ماتریالیسم دینی مانند طبیعت خودکار، انسان محوری، سکولاریسم، جبرگرایی و

تقدیرگرایی و بالاخره وابستگی به فناوری روز را به مخاطبان عرضه می‌کند (علوی طباطبایی، ۱۳۸۸، ۱۴۶).

ب) شبیه‌سازی و یا جایگزین‌سازی شخصیت امام مهدی علیه السلام در سوژه‌های هالیوود

یکی از خرافه‌های دیگر که صهیونیست‌ها آن را در قالب سینمایی وارد کرده‌اند، مسئله ظهور ناجی و سفر به سرزمین موعود است. اما ناجی این قبیل فیلم‌ها آن منجی نمی‌باشد که بشریت در انتظار اوست. صهیونیست‌ها در سیری تاریخی، نخستین ناجی خود را «داوود نبی» می‌دانند که به زعم ایشان پهلوان اسطوره‌ای قوم یهود است و هم اوست که عشیره بنی اسرائیل را از ستم جالوت سنگدل می‌رهاند. از نظر صهیونیست‌ها، یهودیان پیش از آن که پیروان یک آیین الهی تلقی شوند، یک ابرنژادند و به همین دلیل نیز در مواقع عسرت و سختی، ناجی دیگری از میان آن‌ها ظهور می‌کند و ایشان را به «سرزمین موعود» می‌برد. از آن جاکه فرزند اولین ناجی قوم یهود (سلیمان فرزند داوود نبی) تمام دنیا را به تسخیر خود درآورد، صهیونیسم نیز فرمانروایی بر ملک سلیمان را حق طبیعی خود می‌داند و به همین دلیل هم، داعیه سلطنت بر تمامی دنیا را دارد. لذا افسانه «نیل تا فرات» تنها مقدمه‌ای بر نقشه‌های جهانی صهیونیسم و قوم یهود است. از آن تاریخ عبور حضرت موسی از دریا، یهود در انتظار سومین ناجی خویش است. البته از آن تاریخ تا امروز منجیان کوچکتری ظهور کرده‌اند. مثلاً ویل دورانت در مجموعه تاریخ تمدن، کریستف کلمب که او یک یهودی پرتغالی الاصل می‌باشد که به منظور کاستن از مصائب یهودیان در اروپای قرن پانزدهم، سفری مقدس را در جستجوی ارض موعود آغاز کرد و در این نهایت به آمریکا رسید! به همین دلیل صهیونیست‌ها آمریکا را سرزمین موعود خود می‌دانند و شهر نیویورک نیز از دیرباز به عنوان پایتخت صهیونیسم بین‌الملل شناخته شده است. بر مبنای همین الگوی اساطیری، هالیوود تاکنون سفرهای اسطوره‌ای بسیاری را به تصویر کشیده و سینمای اروپا نیز به رقیب آمریکایی خود تأسی کرده است. فیلم‌هایی نظیر مجموعه «ایندیانا جونز»، «دنای آب»، «سفر به غرب وحشی»، «دون فیتزکارالدو»، «خوشه‌های خشم» و... بر مبنای همین الگو ساخته شده‌اند (سمواتی، ۱۳۸۳: ۹۱).

آن چه در اندیشه هالیوود که مبتنی بر اندیشه غربی است، از پایان تاریخ تبلیغ

می‌شود، تنها استیلای غرب و باقی ماندن پیروان این فرهنگ در آخرالزمان است. در این‌گونه فیلم‌ها^۱ با این نکته روبرو می‌شویم که افراد و یا موجوداتی شرور و شیطانی در زمین شرارت ایجاد خواهند کرد و پس از گذشت زمان و درحالی که مردم از این موضوع غافل هستند، امریکا به عنوان ناجی ظهور می‌کند و جهانیان را نجات می‌دهد. در این‌گونه فیلم‌ها دیگران چاره‌ای جز کرنش در مقابل توانایی‌های تمدنی و فناوریانه غرب به ویژه آمریکا را ندارند. این‌گونه فیلم‌ها از جلوه‌های ویژه و صحنه‌های مجازی بیش از اندازه استفاده می‌کنند تا مخاطب را مفتون و مسحور برتری منجی‌گری قهرمان داستان کنند (عرفان، ۱۳۹۴: ۴۹). یا برای نمونه، در مجموعه هری پاتر، حفظ راز جام مقدس و خانقاه صهیون و ظهور موعودی از نسل عیسی مسیح علیه السلام و مریم مجدلیه برای آخرالزمان در لوای داستانی کودکان و جادو و جنبل پنهان شده است. سرانجام پرده‌های هنر و فانتزی و افسانه و سرگرمی کنار زده می‌شود و آرمان‌های ایدئولوژیکی گروهی آشکارا پدیدار می‌گردد که در این روزگار، با عنوان «اونجلیست‌ها» از پس گذشت قرون و اعصار، اهداف دیرین حکومت جهانی صهیون را دنبال می‌کنند (همو: ۵۰-۵۱).

نویسنده دیگر می‌گوید:

نکته‌ی جالب این‌که آنان به دلیل ترس و وحشتی که در درون خود از آن حضرت دارند زمینه را برای اومهیّا می‌نمایند، به گونه‌ای که شوق ما را به دیدار نواده‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که در کنار کعبه ظهور می‌کند، برمی‌انگیزاند زمانی یک مسلمان امام مهدی علیه السلام را در فیلم نوستراداموس می‌بیند که چگونه از اتاق عملیات به کمک ژنرال‌های بزرگ خود (به تعبیر فیلم) صحنه‌ی جنگ را اداره کرده و با سردمداران کفر مبارزه می‌نمایند، و با پرتاب موشک‌های غول پیکر از قلب صحرای حجاز به پایگاه‌های کفر و استعمار در آمریکا و اروپا که آنها را درهم می‌کوبد، چقدر سرشار از امید و اشتیاق می‌گردد (کورانی، ۱۳۸۳: ۱۹)».

به طور کلی می‌توان گفت در فیلم‌های آخرالزمانی که غربی‌ها به آن می‌پردازند شخصیت و یا پدیده‌ای را منجی معرفی می‌کند و یا به طور نمونه در فیلم نوستراداموس شخصیتی شبیه به امام مهدی علیه السلام که در منابع اسلامی آمده پرداخته شده است.

۱. در فیلم‌هایی نظیر «۲۰۱۲»، «آگاهی»، «روز استقلال»، «هنکاک»، «کتاب الی» و «آخرالزمان» همواره به این نکته روبرو می‌شویم.

ناجی‌ها در فیلم‌ها از جمله:

- حضرت سلیمان علیه السلام؛

- حضرت داوود علیه السلام؛

- حضرت عیسی علیه السلام؛

- ویل دورانت و کریستف کلمب منجی‌های کوچک‌تری؛

و در نهایت منجی اصلی که در فیلم‌ها منظورسازی شده است کشور آمریکا می‌باشد.

ج) ایجاد شک و تردید (تحریف) در چگونگی رخ داد ظهور

از دیگر خرافات‌های صهیونیستی که به سینما راه یافته «افسانه آخرالزمان» و پیشگویی‌های مربوط به آن است که در فیلم‌های نظیر «نوسترا داموس»، «آرماگدون» و «روز استقلال» می‌توان یافت. براساس این افسانه، فاجعه‌ای عظیم حیات بشری را تهدید خواهد کرد و آخرین نبرد خیر و شر در جغرافیای خاصی از زمین به وقوع خواهد پیوست. وسعت فاجعه آن است که انسان‌ها از مقابله با آن درمی‌مانند و ناامیدانه به هوشمندترین و شجاع‌ترین نژاد بشری (یعنی آمریکایی‌ها) پناه می‌برند! (سمواتی، ۱۳۸۳: ۸۸) آمریکایی‌های خوش‌قلب، هم معمولاً با راهنمایی یک دانشمند یهودی به کام خطر می‌روند و با عملیات متهورانه خود، زمین را از خطر نابودی می‌رهانند و گاهی هم در راه انجام این مأموریت مقدس یک یا چند شهید تقدیم جامعه بشری می‌کنند! حاصل آن‌که در پایان اکثر این فیلم‌ها بیننده‌ی از همه جایی خبر، همصدا با تمامی اقوام و پیروان ادیان، خداوند را به واسطه نعمت حضور آمریکایی‌های شجاع و یهودیان دانا بر روی کره خاکی سپاس می‌گوید! چرا که آنان فرشتگان نجات‌دهنده و اگر نباشند، نسل آدمی از صحنه گیتی برخواهد افتاد! (سمواتی به نقل از شاه حسینی، ۱۳۸۳، ۸۹)

سرمایه‌داران عظیم جهانی در یک پروژه گسترده، که البته طراح مشخص و کشور خاصی را نمی‌توان تنها متولی مستقیم آن دانست، می‌کوشد با تغییر در زمینه‌های مختلف نجات باوری و منجی‌گرایی تغییرات چشم‌گیری را پدید آورد و فضایی را مهیا سازد که این فطرت پاک بشری به طریقی طراحی شود که در راستای اهداف آنان باشد. برای مثال برخی از فرقه‌های انجیلی (Evangelicals) تشکیل دولت اسرائیل را نشانه ظهور عیسی علیه السلام می‌پندارند و معتقدند برای شتاب دادن به ظهور، بایستی دست

صهیونیست‌ها را در قتل عام مسلمانان باز گذاشت. گروه‌هایی از مسیحیان حتی پیش از بنیان‌گذاری کشور اسرائیل، معتقد بودند شرط بازگشت حضرت عیسی علیه السلام در آخر الزمان این است که یهودیان به فلسطین برگردند. (توفیقی، ۱۳۸۶: ۲۰۲)

فیلم «روز استقلال» در سال ۱۹۹۶ میلادی به کارگردانی «رولند امریچ» در جهت هدف سیاسی غرب برای جهانی شدن و ایجاد یک فرهنگ واحد جهانی و تحمیل آن بر مردم جهان نمونه‌ی خوب است. داستان فیلم از این قرار است که در روز دوم جولای، سفینه‌ای فضایی از سیاره‌ای دیگر بر کره‌ی زمین ظاهر می‌شود و از درون آن بشقاب پرنده‌های بی‌شماری به پرواز درمی‌آیند. آنها ۹۰ میلیارد سال نوری را طی کرده‌اند تا به کره‌ی زمین برسند و با انهدامش در آن ساکن شوند. یک متخصص کامپیوتر نیویورکی موفق می‌شود معنای علامت‌هایی که بین آنها رد و بدل می‌شود را کشف کند و روز چهارم ژوئیه (روز استقلال آمریکا) نبرد نهایی آغاز می‌شود. «لویسنون» کارشناس کامپیوتر یک شبکه‌ی تلویزیونی، پی می‌برد که می‌توان با ارسال و بررسی کامپیوتری به سیستم تدافعی سفینه‌ی مادر، مخلوقات فضایی آن را ناکارآمد ساخت. کاپیتان «هیلر» خلبان سیاه پوست هواپیماهای جنگنده و خلبان دیگری با هواپیماهای جنگنده به سیستم کامپیوتری سفینه‌ی مادر رخنه می‌کنند و مأموریت خود را به انجام می‌رسانند. مهاجمان شکست خورده و دست از جنگ می‌شکنند (علوی طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۳۱). پیام فیلم این است که آمریکا و نظام حاکم بر غرب تنها سیستمی است که جهان را از خطراتی که در آینده رخ می‌دهد، حفظ می‌کند. آن متخصص کامپیوتر یک یهودی است. از نظر اکثر منتقدان غربی فیلم به نحو خنده‌آوری احمقانه است، زیرا چارچوب داستان بسیار ساده اندیشی تنظیم شده است و تمام مردم از سراسر جهان برای نجات خود از این مصیبت بزرگ چشم به آمریکا دوخته‌اند. فیلم در واقع ترکیبی از فیلم‌های علمی-تخیلی دهه‌ی پنجاه و فیلم‌های فاجعه‌ی دهه‌ی هفتاد میلادی است. در مورد این فیلم تبلیغات وسیع بسیاری انجام شد و با فروش ۷۴۶ میلیون دلار در سراسر جهان و ۳۶۰ میلیون دلار در آمریکا به عنوان پرفروش‌ترین فیلم سال ۱۹۹۶ میلادی شهرت یافت. «روز استقلال» فیلمی هدفمند، زیرکانه و سیاسی است که نمونه‌ی بسیار خوبی از سینمای آینده‌نگر فاجعه به شمار می‌رود. (همو: ۱۳۲) دقیقاً جریان‌هایی که در صحنه‌های این نوع فیلم‌ها کار می‌شود مقایسه شده با چگونگی ظهور امام مهدی علیه السلام می‌باشد؛ اما با تفاوت این‌که

شخصیت‌ها و صحنه‌ها را جایگزین کرده‌اند که این خود، تحریف اندیشه‌ی ناب مهدویت اسلامی است.

د) تعیین وقت برای پایان جهان

یکی از موضوعاتی که غرب در لابه لای اهداف فیلم به تصویر می‌کشد تعیین وقت برای ظهور و پایان جهان است. مسئله‌ی پایان دنیا بر اثر نابودی کره‌ی زمین و از میان رفتن حیات از همان دوران در فیلم‌های سینمایی و در گونه‌ی علمی-تخیلی مطرح بود و تا اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی این مسئله ناشی از پرداختن به دانش و فناوری انرژی هسته‌ای و استفاده از بمب اتم بود. پایان دنیا یا تهدید به این رویداد برای بشر همواره هولناک به صورت تصویری یا مکتوب مطرح شده است و برای فیلم‌سازان تا اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی مسئله‌ای پیچیده و با نگرش‌های متفاوت بوده است. بعضی‌ها آن را به خاطر دخالت یک پیشوا یا برگزیده‌ی دینی برای نجات بشر یا نفوذ بر انسان‌ها نگریسته‌اند که در داستان فیلم‌هایشان به صورت آشکار شدن نشانه‌ها و علائم الهیه بوده است. گروهی دیگر از فیلم‌سازان نیز این رویداد را امری احتمالی دانسته‌اند و با کمک تمهیدات ویژه و فیلم‌های مستندی که از مصایب طبیعی گرفته شده، فیلمی را با درونمایه‌ای جذاب ارائه کرده‌اند. (علوی طباطبایی، ۱۳۸۸: ۴۱) در اکثر فیلم‌های علمی-تخیلی پایان دنیا و داوری نهایی و روز قیامت عباراتی مترادف یکدیگر بودند. نخستین استفاده از این درونمایه در فیلم تجربی مرگ خورشید ساخته‌ی «ژرمن دولاک» در سال ۱۹۲۰ میلادی دیده می‌شود. فیلم‌های مذهبی مانند کشتی نوح ساخته‌ی «مایکل کورتیز» در سال ۱۹۲۹ میلادی و فیلم‌های مذهبی بعد از آن به صورت مستقیم و غیرمستقیم حضور خداوند را در زندگی بشر ارائه دادند. (همو)

همه‌ی شخصیت‌های قهرمان و اول داستان‌ها به عنوان آمریکایی یا برخاسته از تفکر آمریکایی معرفی می‌شوند به گونه‌ای که بیننده هیچ چاره‌ای جز چنگ زدن به ریسمان نجات آن‌ها نمی‌بیند و این یعنی مصادره مهدویت، منجی و آخرالزمان به صورت حرفه‌ای و هنری. بهترین نمونه برای شرح و فهم مقاصد پیدا و پنهان سینمای هالیوود و دنیای غرب در راستای سوء استفاده از موضوع منجی آخرالزمان فیلم ۲۰۱۲ است و در این فیلم که سال ۲۰۱۲ به عنوان پایان دنیا در نظر گرفته شده است، حوادث و وقایعی در قالب

یک داستان به وقوع می‌پیوندد که بیننده را برای مرگ و نابودی آماده می‌کند؛ اشک‌های او را جاری می‌سازد و باعث تلاش فراوان وی برای نجات خود و خانواده‌اش می‌شود تا جایی که وی حاضر می‌شود مبالغه‌نگفتی را برای سکونت موقت یا دائم در منطقه‌ای در روسیه یا سفر به کرات و سیاره‌های دیگر بپردازد و خلاصه به دنبال هراهی برای نجات باشد (عظیمی خرم آبادی، ۱۳۹۴: ۲۴).

هـ) تلقی کردن ظهور منجی بشریت همراه با کشتار و خونریزی

در رسانه‌های غرب به ویژه سوژه‌های سینمایی، ظهور منجی و پایان جهان را با کشتار، خونریزی و وحشت جلوه می‌دهند. خواه منجی را مهدی موعود علیه السلام، یا منجی آیین مسیحیت، یا یهودیت و یا منجی ماورای انسان معرفی کنند. نبرد نهایی و آخرالزمان در سینمای غالب بر جهان یک جنگ اتمی بزرگ و نابودی میلیون‌ها تن انسان است. در بیشترین فیلم‌ها آمریکا از سوی یک دشمن فرضی و خیالی به شدت مورد تهدید و هجوم قرار می‌گیرد و پس از آن دنیا و تمدن بشری روبه نابودی و نیستی می‌رود. (علوی طباطبائی، ۱۳۸۸: ۱۶۵)

سرمداران کفر جهانی و شیطان بزرگ با سفارش مسیحیان صهیونیست می‌خواهند با طرح موضوعات آخرالزمانی خود را در صف اول مشتاقان ظهور منجی و بازگشت و رجعت مسیح قلمداد کنند. هالیوود این موج جدید منجی محور و آخرالزمان گرایانه‌ی مسلمانان را، در صف اول دشمنان خود ترسیم و تجسم می‌کند و تحت پوشش و تلاش معنوی و دینی، بزرگ‌ترین جنایات را در عراق و فلسطین و دیگر نقاط دنیا انجام می‌دهند (همو: ۱۶۶).

و) رواج معنویت‌های انحرافی و تقلبی نو ظهور

یکی دیگر از موضوعات اصلی فیلم‌های هالیوودی برجسته کردن زندگی دوم و جهان موازی است. اگر جهان موازی با همان شکلی که در فیلم‌های هالیوودی وجود دارد، قبول و القا شود، دیگر کسی به جهان آخرت، معاد و توحید ایمان نخواهد داشت! نکته دیگری که باید بدان توجه کرد، اعتقاد ناوی‌ها به ایوا، شبیه خداپرستی پیروان ادیان توحیدی به نظر می‌رسد، اما چیزی نیست مگر شناخت طبیعت، شناخت روح مقدس طبیعت، باور به تناسخ و تجسد و در نهایت، هماهنگی با آهنگ و ملودی طبیعت. این آیین که

الهیات طبیعی نامیده می‌شود، اقتباسی از چند جریان شبه دینی قدیمی از جمله عرفان سرخ‌پوستی، شمنیسم، بودیسم، هندوئیسم و البته میراث «قبتاله» است که اینان با جعل آخرالزمان مورد پسند خود، تصمیم دارند موعود اصلی بشر و تفکر شیعی آخرالزمانی را به انزوا بکشند و به خیال خام خود با «پروژه آخرالزمان سازی هالیوودی» منجی الهی و عدالت آور حقیقی را به فراموشی بسپارند.

هدف نهایی این فیلم‌ها بیشترین است: «منجی در نهایت، یک آمریکایی است». این یعنی این‌که هیچ کدام از خرده فرهنگ‌ها نمی‌توانند مدافع خودشان باشند، بلکه فقط یک قهرمان آمریکایی، با توجه به شایستگی‌های ذاتی انسان آمریکایی می‌تواند و باید به این مقام برسد. در صورت مشاهده مکرر این قبیل فیلم‌های خرافی، مردم جهان سوم ظاهراً به آمریکا و باطناً به صهیونیسم بین‌الملل حق می‌دهند که چند صباحی در این عالم فانی حکومت و سروری کنند! زیرا وقتی فاجعه عظیم رخ دهد، همین‌ها هستند که باید به داد مردم دنیا برسند و نسل انسان را از خطر نابودی برهانند (کریمی و باصری، ۱۳۹۴: ۱۱۱-۱۱۲).

بررسی مقایسوی کارکردهای رسانه‌های جهان اسلام با دنیای غرب

به تمام ابعاد موعودگرایی غربی‌ها در هالیوود و سینما پرداخته شد. مسئله ظهور امام مهدی (عج) و یا پایان دنیا را با تمام وحشت و کشتار و خونریزی به تصویر می‌کشند. منجی‌هایی که در فیلم‌ها به آن پرداخته شده است همه در یک مسیر قرار دارند که به صهیونیست‌ها یا کشور آمریکا و یهودیان آن می‌رسد.

در موضوعات فیلم‌های هالیوود که سوژه‌ی آن حتماً جنگ و خونریزی است؛ جبهه‌ی مخالف را بیشتر مردم خاورمیانه، مسلمانان یا اعراب به تصویر می‌کشند. و یا در فیلم‌هایی که جنبه‌ی تخیلی آن بیشتر کار شده است دشمن از طرفی مبهم و یا غیرمتعارفی معرفی می‌شود و یا این‌که برخورد شهاب سنگی با کره‌ی زمین است که در پی آن نابودی دنیا را به دنبال دارد. و این جاست که آمریکا و هم‌پیمانانش ابر قدرت در دنیا هستند که سعی می‌کنند این دشمن، و نسل بشر را از نابودی نجات می‌دهند که اغلب در این نجات دادن نیز موفق می‌شوند.

با این وضعیت فکری در هالیوود می‌توان گفت ریشه و علل این افکار یک نوع ترس و

وحشت آمریکا و یهودیان از اندیشه مهدویت مسلمانان است. چون وقتی به طور جزئی به موضوعات فیلم‌های هالیوود می‌پردازیم به طور واضح احساس می‌شود که آنها کاملاً مسلط و آگاه به مبانی فکری مهدویت شیعی هستند اما؛ همه‌ی نکات و محورهای به نفع خود در فیلم‌ها جهت می‌دهند و کاملاً یک اندیشه آخرالزمانی انحرافی را به خورد مردم جهان می‌دهند تا بتوانند آن ابرقدرت بودن و سلطه‌گری خود را حفظ کنند.

این هراس و وحشت از نیمه‌ی دوم قرن بیستم به بعد؛ با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به نمایندگی رهبرانقلاب، امام خمینی علیه‌السلام بیشتر احساس می‌شود زیرا امام خمینی علیه‌السلام این انقلاب را کاملاً بر اساس دستورات اسلامی شیعی شروع و بنیان‌گذاری کرد و حکومت را، حکومتی اسلامی شیعی خواند که از جمله آرمان‌های محکم این حکومت آماده‌سازی برای ظهور و برقراری حکومت امام مهدی علیه‌السلام در جهان معرفی شد. حکومت الهی که توسط انقلاب جهانی مهدی موعود علیه‌السلام صورت گرفته و ایشان دنیا را پراز عدل و داد، صلح و دوستی می‌کند و عرصه را برای ظالمان و ستمگران تنگ می‌کند. در حقیقت با حکومت مهدوی دنیا تکامل پیدا کرده و مؤمنان و صالحان در جوار حضرت، زندگی خوشی را خواهند داشت.

نتیجه‌گیری

پس می‌توان گفت رسانه به ویژه سینما و هالیوود ابزاری قدرتمند برای انتقال اندیشه و فرهنگ است که دشمن با استفاده از آن، برای رسیدن به اهداف خود تا به حال کارهای زیادی انجام داده است. در دنیای امروز رسانه را تنها وسیله‌ی جهانی می‌توان نام برد که تأثیرش نیز جهانی است. و ما مسلمانان می‌توانیم ارزش‌ها و فرهنگ غنی و اصیل مهدویت را این‌گونه انتقال بدهیم و معرفی کنیم. اما متأسفانه در این حوزه مسلمانان کار خاصی انجام نداده‌اند که بتوان از آن نمونه‌ای یاد کرد. طوری که مسلمانان معتقد به وجود حاضر و ناظر مهدی موعود علیه‌السلام در جامعه و زندگی هستند اما در مقابل این باور، هیچ عملکردی در رسانه‌های اسلامی انعکاس داده نشده است. شاید دلیل این ضعف دور بودن کارشناسان دینی مهدوی از امکانات رسانه‌ای بوده باشد و یا کسانی که در این عرصه کار می‌کنند آن اعتقاد و دوراندیشی را که غربی‌ها به این مسائل به طور عمیق دارند، مسلمانان ندارند.

اما امروز پرداختن به اندیشه‌ی مهدویت و معرفی این مبانی فکری ناب یک تکلیف و وظیفه محسوب می‌شود که هر شیعه و مسلمانی باید در این امر اهتمام ورزیده و از راه‌های مختلف تلاش شود تا از طریق این رسانه‌ی قدرتمند اندیشه‌ی مهدویت را معرفی کرده و هر نوع برداشت انحرافی که از سوی دشمنان صورت گرفته است خنثی شود.

پیشنهادهای و راهکارهای عملی برای رسانه‌های اسلامی

از جمله راهکارها و پیشنهادهایی که امکان دارد به صورت مستمر و تاثیرگذار در رسانه‌ها در حوزه مهدویت کارکرد را به طور زیر نکته‌وار می‌آوریم:

- کارشناسان مهدویت و کارشناسان رسانه می‌توانند نرم‌افزارهایی با محتوای مهدویت تهیه کنند تا در معرفی حداقلی اندیشه ناب مهدوی در اینترنت و فضاهای مجازی فعال باشد.

- فیلم‌نامه‌نویسان و کارگردانان بیشتر موضوعات و سوژه‌های فیلم سینمایی‌ها را با موضوع معرفی مهدویت انتخاب کنند و در انتقال پیام درست آن نیز تلاش نمایند.

- حتی کارگردانانی که بیشتر تهیه فیلم سینمایی دارند می‌توانند طوری قالب فیلم را شکل بدهند که برداشت‌های انحرافی‌ای که از هالیوود غربی‌ها صورت گرفته است را خنثی کند.

- انتخاب موضوعات فیلم‌های سینمایی می‌تواند گسترده باشد؛ بنابراین روایات کارشود به طور نمونه در مورد منتظران و یا چگونگی رخ دادن ظهور و... .

- برگزاری همایش‌های رسانه‌ای مهدوی؛ تا محققین و مسلمانان بیشتر در مباحث مهدویت در رسانه عمیق شوند و جدی بگیرند.

- پرداختن به اندیشه مهدویت در قالب‌های انیمیشن و کارتون‌های جذاب که مخاطب کودکان باشند و از ابتدا با تربیت مهدوی آشنا شوند.

منابع

قرآن کریم

- توفیقی، حسین، *آشنایی با ادیان بزرگ*، تهران / قم: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و مؤسسه فرهنگی طه و مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
- تونه‌ای، مجتبی، *موعودنامه: فرهنگ الفبایی مهدویت*، قم: میراث ماندگار، ۱۳۸۷ ش.
- حسینی فیروزآبادی، مرتضی، *فضائل الخمسه من الصحاح الستة*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۲ ق.
- حسینی، حسن، *زیباشناسی و فلسفه رسانه*، تهران: مهرنیوشا، اول، ۱۳۸۸ ش.
- دهقانی آرانی، زهیر، «مهدی آن گونه که غرب معرفی می‌کند»، *دوماه‌نامه امان*، ش ۳۸.
- دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: انتشارات روزنه، دفتر نشر، ۱۳۷۳ ش.
- رجیبی‌نیا، داوود، *رسانه سلطه، سلطه رسانه*، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۹ ش.
- سمتی، محمد مهدی، *عصری‌ان‌ان و هالیوود: منافع ملی، ارتباطات فراملی*، تهران: نشرنی، ۱۳۸۵ ش.
- سمواتی، زهرا، *سلطه‌ی رسانه‌ای صهیونیسم در آمریکا*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (عج)، ۱۳۸۳ ش.
- طبرسی، علی بن حسن بن فضل، *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*، بی‌جا: کتابخانه حیدریه و ناشران دیگر، ۱۳۸۵ ق.
- _____، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام)، لإحياء التراث، ۱۳۷۶ ش.
- عرفان، امیرمحسن، *رسانه و آموزه مهدویت*، قم: مؤسسه بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۴ ش.
- عظیمی خرم‌آبادی، کاظم، «زمینه‌سازی رسانه‌ای - تبلیغاتی ظهور مهدی موعود (عج)»، *عصر آدینه*، ش ۱۵، ۱۳۹۴ ش.
- علوی طباطبایی، ابوالحسن، *هالیوود و فرجام جهان*، تهران: هلال، ۱۳۸۸ ش.
- عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: شهرزاد، ۱۳۹۰ ش.

- عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ ش.
- کریمی، معصومه وباصری، احمد، «رهیافت های عملیات روانی آخرالزمانی سینمای هالیوود بارویکرد مهدویت ستیزی»، پاسداری فرهنگی/انقلاب اسلامی، ش ۱۲، ۱۳۹۴ ش.
- کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه: عباس جلالی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳ ش.
- کورانی، علی، معجم الاحادیث الامام المهدی علیه السلام، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۴۲۸ ق.
- گانکل، دیوید جی، «سیاست های فرهنگی اینترنت» امپریالیسم سایبر: روابط جهانی در عصر جدید الکترونیک، ترجمه پرویز علوی، تهران: انتشارات ثانیه، ۱۳۸۵ ش.
- مجلسی، محمد بن باقر بن محمد تقی، بحار الانوار لدرراخبار الائمه الاطهار، بیروت: بی نا، ۱۴۰۳ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، دائرة المعارف فقه مقارن، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۵ ش.
- موسوی، رضی، شرق شناسی و مهدویت، قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۹۱ ش.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۶ ش.